



از نسل‌کشی تا مدرسه‌کشی

● دکتر علی خلخالی، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی - تنکابن

کامل آموزش و پرورش تغییر کرده است. در واقع بین نسل‌کشی و مدرسه‌کشی رابطه نزدیکی وجود دارد. **رافائل لامکین**، محقق حقوقی لهستانی که اولین بار نسل‌کشی را تعریف کرد و نقشی محوری در وارد کردن این مفهوم به حقوق بین‌الملل داشت، نسل‌کشی را تلاشی برای تضعیف پایه‌های اساسی نظم اجتماعی می‌داند. کلید این تلاش، در تصور لامکین، حمله به فرهنگ‌های ملی، قومی، نژادی یا مذهبی بود. شواهد نشان می‌دهند برای رژیم جدانژادی صهیونیستی، در امتداد و تداوم نسل‌کشی، مدرسه‌کشی نیز اجتناب‌ناپذیر شده است. در واقع اصطلاح مدرسه‌کشی به‌طور اختصاصی برای توصیف ماهیت رژیم صهیونیستی ساخته شده است.

مدرسه‌کشی مجموعه اعمالی است که به‌طور کلی یا جزئی، به تخریب نظام‌مند زندگی آموزشی یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی منجر می‌شود. عمده این اعمال عبارت‌اند از:

- قتل معلمان، دانش‌آموزان، کارکنان و مدیران مدرسه‌ها و وحشت‌افکنی (ترور) بین آن‌ها؛
- وارد کردن آسیب جسمی یا روحی به معلمان، دانش‌آموزان، کارکنان و مدیران مدرسه‌ها؛
- دستگیری، بازداشت و حبس معلمان، دانش‌آموزان، کارکنان و مدیران مدرسه‌ها؛
- آزار و اذیت نظام‌مند و ارباب معلمان مدرسه‌ها، دانش‌آموزان، کارکنان و مدیران؛
- بمباران و تخریب مؤسسه‌های آموزشی؛
- تخریب و یسا غارت منابع آموزشی و پژوهشی از جمله کتابخانه‌ها، بایگانی‌ها و آزمایشگاه‌ها، و همچنین تأسیسات

«مدرسه‌کشی» اصطلاحی است که اولین بار پروفسور کارما نابلسی عضو ارشد آکسفورد و متخصص فلسطین در مورد قوانین جنگ ابداع کرد. او این اصطلاح را در سال ۲۰۰۹ و در چارچوب حمله رژیم صهیونیستی به غزه، و نیز با اشاره به الگوی حملات استعماری رژیم صهیونیستی به دانشمندان، دانش‌آموزان و مؤسسه‌های آموزشی فلسطینی که به روز نکبت سال ۱۹۴۸ برمی‌گردد و پس از سال ۱۹۶۷ در جنگ علیه فلسطین و تهاجم سال ۱۹۸۲ به لبنان گسترش می‌یابد، مفهوم‌سازی کرد.

این اصطلاح ترکیبی از پیشوند لاتین «schola» به معنی «مدرسه» و پسوند لاتین «cide» به معنی «کشتن» است. نابلسی از این ترکیب برای توصیف «تخریب نظام‌مند (سیستماتیک) آموزش و پرورش فلسطین توسط رژیم صهیونیستی» برای مقابله با سنت یادگیری فلسطینی استفاده کرد. نابلسی مشاهده کرد که این سنت، «بیش و قدرت عظیم آموزش و پرورش را در جامعه‌های اشغال‌شده» منعکس می‌کند که در آن «آزادی اندیشه» را دیوار جدانژادی (آپارتاید)، پاسگاه‌های غل و زنجیر، و زندان‌های خفه‌کننده تهدید می‌کند. نابلسی با درک اینکه آموزش و پرورش چقدر برای سنت فلسطینی و انقلاب فلسطین مهم است، خاطر نشان کرد که سیاست‌گذاران استعماری رژیم صهیونیستی نمی‌توانند این سنت یادگیری فلسطینی را تحمل کنند و باید آن را از بین ببرند.

در جریان نسل‌کشی اخیر رژیم صهیونیستی در غزه در سال ۲۰۲۳-۲۰۲۴ که همچنان ادامه دارد، مدرسه‌کشی در مقیاس بی‌سابقه‌ای تشدید شده است. سیاست استعماری رژیم صهیونیستی در غزه، اکنون از تمرکز بر تخریب نظام‌مند به نابودی



از ۱۹۸۴ را صادر کردند که دولت اشغالگر آن‌ها را بی‌فایده یا تهدیدآمیز تلقی می‌کرد. کتاب‌ها را به یک کارخانه کاغذسازی فروختند تا به خمیر تبدیل شوند.

به گفته گیش آمیت، دانشجوی دکتری مطالعات رژیم صهیونیستی، این اقدام یک قتل عام فرهنگی و بدتر از استعمار اروپایی بود که حداقل از اقلام دزدیده‌شده در کتابخانه‌ها و موزه‌ها محافظت می‌کرد. تقریباً ۲۵ سال

بعد، در جریان تهاجم رژیم صهیونیستی به لبنان در سال ۱۹۸۲، نیروهای رژیم

صهیونیستی «مرکز تحقیقات سازمان آزادی‌بخش فلسطین» و همچنین

«مؤسسه مطالعات فلسطین» (که

یک سازمان خصوصی در بیروت بود) را هدف قرار دادند. «هیوبرک تایمز» گزارش می‌کند که سربرازان رژیم صهیونیستی نه تنها کل کتابخانه را که شامل ۲۵ هزار جلد کتاب به زبان‌های عربی، انگلیسی و عبری بود، بلکه چاپخانه، میکروفیلم‌ها، دست‌نوشته‌ها و دیگر آرشیوهای آن‌ها را دزدیدند و همه تجهیزات مربوطه را نابود کردند.

با توجه به این تاریخ، تخریب تمام مراکز آموزشی و بسیاری از کتابخانه‌ها در نوار غزه، از اکتبر گذشته، اگرچه در مقیاس بی‌سابقه‌اش تکان‌دهنده است، اما نباید به عنوان انحراف یا استثنا تلقی شود، بلکه بیانگر ادامه سیاست استعماری رژیم غاصب صهیونیسم با هدف محو تولید دانش فلسطین و فلسطینی است؛ به‌گونه‌ای که نه تنها برای پاک کردن گذشته و حال آن، بلکه مانع از ظرفیت‌سازی احتمالی آینده آن نیز می‌شود. بر اساس گزارشی که کتابداران و بایگاران در فلسطین منتشر کرده‌اند، حداقل ۲۲ بایگانی، موزه و کتابخانه در غزه بین اکتبر ۲۰۲۳ تا ژانویه ۲۰۲۴ توسط نیروهای مسلح رژیم

صهیونیستی تخریب‌شده، آسیب‌دیده یا مورد غارت قرار گرفته است. دور تازه تخریب کتابخانه‌های غزه از ۹ اکتبر ۲۰۲۳ آغاز شد؛ زمانی که نیروهای اشغالگر رژیم صهیونیستی کتابخانه دانشگاه اسلامی غزه را با خاک یکسان کردند. روز بعد، کتاب‌فروشی و کتابخانه سمیر منصور که در سال ۲۰۲۱ تخریب و سپس بازسازی شده بود، مجدداً بمباران شد. اندکی بعد، کتابخانه جواهر لعل نهرو در «دانشگاه الازهر» به همراه کل دانشگاه ویران شد. در ۲۵ نوامبر، کتابخانه دایانا تماری صباغ در «مرکز فرهنگی رشاد الشوا» با گلوله‌باران رژیم صهیونیستی تخریب شد که به از دست رفتن ده‌ها هزار کتاب و تخریب ساختمانی منجر شد که پناهگاه هزاران فلسطینی آواره شده بود. دو روز بعد، منابع محلی گزارش دادند که کتابخانه شهرداری غزه به واسطه بمباران دچار آتش‌سوزی شده و خسارت زیادی به این مؤسسه وارد شده است.

روز ۶ دسامبر، شش مؤسسه علمی دیگر در شهر غزه تخریب

شدند: کتابخانه عنعیم، مؤسسه توسعه آموزشی کنعان و کتابخانه محلی آن، کتابخانه

لوبود، کتابخانه النهضه، کتابخانه الشروق الدائم و کتابخانه دانشگاه آزاد قدس. خسارت سنگین دیگری روز ۸ دسامبر رخ داد. مسجد عمری قرن هفتم و از جمله کتابخانه آن که یکی از مهم‌ترین مجموعه‌های کتاب‌های کمیاب در فلسطین را

پشتیبان فرایند آموزشی، از جمله زمین‌های بازی، زمین‌های ورزشی، مکان‌های نمایش، چای‌خانه (کافه‌تریا) و تالارهای اقامت،

ممانعت از واردات مواد ضروری برای بازسازی مدرسه‌های آسیب‌دیده؛

ممانعت از ایجاد ساختارهای آموزشی جدید؛

تحمیل برنامه‌های آموزشی و درسی مورد پذیرش نسل‌کشان و مدرسه‌کشان؛

محاصره مدرسه‌ها و استفاده از آن‌ها به عنوان پادگان، پایگاه آمادی (لجستیکی)، ستاد عملیاتی، انبارهای سلاح

و مهمات، بازداشتگاه و بازجویی؛

تعطیلی مؤسسه‌های آموزشی و یا ایجاد اختلال در فعالیت روزانه آن‌ها؛

هجوم عمدی به مؤسسه‌های آموزشی؛

محروم کردن زندانیان سیاسی از جمله زندانیان کودک از تحصیل؛

ممانعت از دسترسی به اینترنت، اختلال در تأمین برق و جلوگیری از ورود رایگان لوازم آموزشی از جمله کتاب و تجهیزات آزمایشگاهی؛ جلوگیری از تبادل علمی در همه شکل‌های

آن؛

اختلال در تأمین مالی بین‌المللی و داخلی مؤسسه‌های آموزشی.

همه این اقدامات در حال حاضر در فلسطین و به‌ویژه در نوار غزه به صورت هدفمند و ویرانگر انجام می‌شوند. این‌ها بخشی از تلاش‌های نسل‌کشی برای ممانعت از بازتولید نظم اجتماعی در آن سرزمین اشغالی، و به عنوان بخشی از تلاش گسترده‌تر برای غیرقابل سکونت کردن غزه هستند. در واقع، مدرسه‌کشی راه را برای پاک‌سازی قومی همه‌جانبه هموار می‌کند. بسیاری از این اعمال مدت‌هاست علیه مؤسسه‌ها و جوامع آموزشی در کرانه باختری اشغالی و بیت‌المقدس شرقی انجام می‌شوند و حتی دانش‌آموزان، معلمان و همه شهروندان

فلسطینی مقیم در سرزمین اشغالی نیز برخی از آن‌ها را تجربه می‌کنند. از لحاظ تاریخی، پروژه صهیونیسم از زمان ظهور خود در فلسطین در اوایل قرن بیستم، از قدرت دگرگون‌کننده ذاتی دانش و فضایی که از دانش محافظت می‌کنند، مانند مدرسه، کتابخانه‌ها، بایگانی‌ها و مراکز اجتماعی، کاملاً آگاه بوده و پیوسته این فضاها را تهدید می‌دانسته است. در نتیجه «نیروهای اشغالگر رژیم صهیونیستی» به طور نظام‌مند این فضاها را با بمباران و تخریب، غارت، یا با نشان دادن نادرست آن‌ها به عنوان مکان‌هایی که «فقرت» را پرورش می‌دهند، هدف قرار داده‌اند. محققان و مستندسازان علمی از این پدیده به عنوان نسل‌کشی فرهنگی یاد کرده‌اند.

از همان ابتدای اشغال، در جریان روز نکبت سال ۱۹۸۴، نیروهای رژیم صهیونیستی ۳۰ هزار کتاب و نسخه خطی را فقط از خانه‌های فلسطینی‌هایی که از بیت‌المقدس غربی رانده شده بودند، غارت کردند، در حالی که تعداد کل کتاب‌های غارت‌شده و

دزدیده‌شده در آن دوره ۷۰ هزار تخمین زده می‌شود. سایر شکل‌های تولید فرهنگی،

مانند مجموعه‌های عکس و ... نیز غارت شدند. این اقدامات تخریب

فرهنگ و دانش فلسطین، پس از رویداد نکبت متوقف نشد. در سال

۱۹۵۲ مقامات رژیم صهیونیستی دستور حذف ۲۷ هزار کتاب

درسی فلسطینی مربوط به دوره قبل

هدف این پاک‌سازی قومی نه تنها کشتن و نابودی جسم فلسطینی در سراسر فلسطین تاریخی و فراتر از آن است، بلکه هم‌زمان به دنبال تخریب زیرساخت‌های فیزیکی آن از جمله باستان‌شناسی، آثار باستانی، موزه‌ها، کتابخانه‌ها و بایگانی‌های آن است





در خود جای داده بود و قدمت برخی از آن‌ها به قرن‌های گذشته باز می‌گشت، به‌طور کامل تخریب شد. هدف قراردادن بی‌امان مدرسه‌ها و کتابخانه‌های فلسطینی و سایر مکان‌های تولید دانش توسط رژیم صهیونیستی همچنان ادامه دارد.

روز ۱۸ ژانویه ویدئویی پخش شد که تخریب مهارشده دانشگاه الاسراء و از جمله کتابخانه و موزه ملی آن را نشان می‌داد. این مجموعه حاوی بیش از سه هزار اثر باستانی بود. چنین نابودی و محوکردن آثار و اسناد، دستاوردهای هنری و ادبی، کتاب‌های کیمیا، خاطرات و آرشیه‌های فلسطینی که از آن با عنوان مدرسه‌کشی یاد می‌کنند، نه تنها یک ضایعه جبران‌ناپذیر به شمار می‌رود، بلکه باعث طرح این پرسش اساسی نیز می‌شود که: چرا موجودی که ادعا می‌کند متمدن و نوین است و طرف اشغال‌شده را بومیان بربر و عقب‌مانده تلقی می‌کند، مرتکب چنین جنایات وحشیانه و فاحشی می‌شود؟ مگر چه چیزی در ماهیت تولید دانش فلسطینی وجود دارد که چنین تهدیدی را ایجاد می‌کند؟

پاسخ این است که نابودی دانش فلسطین بخش ذاتی و حیاتی صهیونیسم است. صهیونیسم از بدو پیدایش، روایتی ساخته‌شده را تبلیغ کرد که فلسطین را سرزمینی خالی و تهی از فرهنگ، میراث و تاریخ می‌دانست. فلسطینیان به طرز بدخواهانه‌ای بی‌فرهنگ، وحشی و عقب‌مانده معرفی می‌شدند. آن‌ها حتی نام فلسطین را معمول می‌دانند. این برداشت نژادپرستانه و تحریف‌شده، زمینه را برای روایتی فراهم کرد که می‌کوشد محو موجودیت فلسطین را نهادینه کند. استعمار شهرکنشینیان، بر جایگزینی یک قوم با مردم دیگر بنا شده است و این فرایند مستلزم پاک‌سازی قومی است که باید هم جسمانی و هم معرفتی محقق شود.

هدف این پاک‌سازی قومی نه تنها کشتن و نابودی جسم فلسطینی در سراسر فلسطین تاریخی و فراتر از آن است، بلکه هم‌زمان به دنبال تخریب زیرساخت‌های فیزیکی آن از جمله باستان‌شناسی، آثار باستانی، موزه‌ها، کتابخانه‌ها و بایگانی‌های آن است. به گفته کوین چمبرلین، محقق، تخریب میراث فرهنگی یک مردم به‌منزله تخریب حافظه، آگاهی و هویت جمعی آن مردم و به عبارت دیگر، نوعی پاک‌سازی قومی با نام دیگری است. هدف استعماری شهرکنشینیان صهیونیست از بمباران مستمر نهادهای فرهنگی و آموزشی فلسطینی، محو گذشته، حال و آینده فلسطین است تا به تثبیت موجودیت جعلی خود بر ویرانه‌ها و تاریخ مردم بومی تداوم بخشد.

امروز حجم ویرانی نظام آموزشی غزه غیرقابل تصور است. هزاران دانش‌آموز و صدها معلم در یک سال گذشته کشته شده‌اند و صدها مدرسه آسیب‌دیده یا ویران شده‌اند. این تخریب عمده نظام آموزشی غزه، نه تنها آینده صدها هزار کودک فلسطینی، بلکه مدعیان بشردوستی بین‌المللی و قطب‌نمای اخلاقی جمعی را به‌طور جدی و عمیق زیر سؤال برده است. به نظر می‌رسد که جامعه جهانی به آرامی چیزهای غیرقابل قبول را می‌پذیرد. عادی‌سازی مدرسه‌کشی نشان‌دهنده بحران عمیق‌تر در ارزش‌های جهانی است؛ جایی که دیگر حمایت از بی‌گناهان تضمین نمی‌شود و ساختار انسانیت در حال فروپاشی است. انتخابی که پیش روی ما قرار دارد مشخص است: یا برای حمایت از اصول حقوق بشر و حمایت از بیگناهان، قاطعانه مقاومت و عمل می‌کنیم، یا اجازه می‌دهیم فرسایش ارزش‌های مشترک، بی‌وقفه ادامه یابد. دنیا می‌تواند بی‌تفاوت بماند، اما هزینه این بی‌عملی، در زندگی نسل آینده سنجیده

خواهد شد. هم اکنون در سطح جهانی و در اذهان درآشنایان اندیشمندان، در کنار صفت‌های رژیم نسل‌کشی و کودک‌کشی، واژگان رژیم علم‌کشی، فرهنگ‌کشی و تاریخ‌کشی، به‌طور پربرسامی در حال تکرارند، اما عبارت رژیم مدرسه‌کشی، تصویر گویاتری از ماهیت ذاتی رژیم صهیونیستی و حامیان آشکار و نهان آن در فضای مدرسه‌ای عرضه می‌دارد.

اما مقاومت همچنان تداوم دارد!

عملکرد محور مقاومت، فقط در نبرد نظامی خلاصه نمی‌شود. با وجود تهاجم همه‌جانبه و مستمر استعمارگران مهاجر، مردم بومی سرزمین‌های اشغالی، حدود یک قرن است که به شکل‌های متفاوت مقاومت می‌کنند. برای نمونه حمزه ابوطها، محقق دانشگاهی و نامزد دکترای که خانه‌اش در «بیت لاهیا»، در شمال نوار غزه، اخیراً توسط نیروهای اشغالگر رژیم صهیونیستی بمباران شد، هر روز در میان آوارها از خواب بیدار می‌شود و به دنبال بقایای کتابخانه شخصی ویران‌شده خود می‌گردد.

ابوطها که اکنون ۲۷ سال سن دارد، بیشتر عمر خود را صرف جمع‌آوری کتاب‌های گران‌بها از کشورهای منطقه کرده که با توجه به محاصره غزه توسط رژیم صهیونیستی، روندی چالش‌برانگیز است. او می‌گوید کتابخانه ابوطها دارای ۱۸ هزار کتاب در زمینه تاریخ، ادبیات، دستور زبان، صرف‌شناسی، دین و موضوع‌های دیگر است. او می‌گوید: «اگرچه جنگ همه چیز را از ما گرفت، اما نمی‌تواند غزه را از ما بگیرد... غزه به ما یاد داد که استقامت کنیم.»

این عزم برای ماندن، گردآوری و بازسازی کتابخانه‌ها و آرشیه‌های تاریخ فلسطین برای آینده، مظهر عشق فلسطینی به سرزمین خود، تعهد آن‌ها به مراقبت و حفظ فرهنگ، تاریخ و دانش خود، و اصرار آن‌ها برای زندگی، به‌رغم تلاش‌های صهیونیست‌ها برای از بین بردن زندگی فلسطینی‌هاست. ■

چرا موجودی که ادعای کند متمدن و مدرن است و طرف اشغال‌شده را بومیان بربر و عقب‌مانده تلقی می‌کند، مرتکب چنین جنایات وحشیانه و فاحشی می‌شود؟ مگر چه چیزی در ماهیت تولید دانش فلسطینی وجود دارد که چنین تهدیدی را ایجاد می‌کند؟

منبع

Dader, K., Ghantous, W., Masad, D., Joronen, M., Kallio, K. P., Riding, J., & Vainikka, J. (2024). Topologies of scholasticide in Gaza: education in spaces of elimination. *Fennia - International Journal of Geography*, 202(1), 1-12. <https://doi.org/10.11143/fennia.147002>

